

مجاهدین در جنبه تضادهای هیئت حاکمه

در طول یکسال و نیم پس از قیام بهمن، رهبری مجاهدین هر چه بیشتر به راست گرایش یافت. ما پیش از این در شماره های گذشته رهایی به تفصیل به خط مشی و سیاستهای مجاهدین پرداخته ایم و در اینجا به اجمال تنها رابطه سخنرانی اخیر خمینی را با عملکرد این سازمان مورد بررسی قرار خواهیم داد. رهبری مجاهدین از فردای قیام بهمن در قبال بسیاری از مسائل حاد جامعه موضعی بینابینی را برگزید و بر همین منوال ابتدا فدائیان خلق را بدلیل دخالت در جنگهای ترکمن صحر

مورد سرزنش قرار داد وحتى آنان را منهدم کرد که عملاً " آب به آسیاب امیرالیسم ریخته‌اند. با آغاز جنگ دوم کردستان مجاهدین در قبال جنایات بیشمار رژیم ساکت ماندند و همچنان از موضع‌گیری آشکار به نفع یک طرف و علیه طرف دیگر اجتناب کردند. همین مسئله در جنگ سوم کردستان و تا همین زمان ادامه دارد. در خلال تسخیر سفارت آمریکا رهبری سازمان اعلام داشت که با تمام قوا از مبارزه ضد امیرالیستی رژیم حمایت خواهد کرد. مقدمات تشکیل میلشای مجاهدین برای مقابله با نوطنه حمله نظامی امیرالیسم امریکادر همین زمان شکل گرفت. این اواخر پس از پیاده شدن کماندوهای امریکائی در طبرستان مجاهدین یکسره میلشای خود را متکلف به اطاعت از "برادران پاسدار" کردند مشروط بر اینکه از آن در رویدادهای داخلی استفاده نشود. مجاهدین تنها خواستار مبارزه "علیه حمله" نظامی امیرالیسم بودند و هیچگاه از پایگاه داخلی آن سخن به میان نیاوردند. در خلال انتخابات ریاست جمهوری کاندیدای مجاهدین خلق به "اشاره" و فتوای خمینی ساده‌تر از آنچه انتظارش میرفت کناره گرفت و تنها بایک "بکر" خنک و خالی از مردمی که در برنامه مجاهدین دست کم تحقق بخشی از خواستههای خود را میدیدند قضا را فیصله داد. در هر حال مجاهدین کوشیدند بهر تریبی نده مستعینا "با" امامت "درگیر نشوند. لیکن خمینی در هر فرصت بطور بوسیده از کوبیدن مجاهدین در پیغ نمیکرد. طرفه آنکه همزمان با صدور اعلامیه مجاهدین سنی بر اینکه "بمطور جلوگیری از سو" استفاده های امیرالیسم و ضد انقلاب ... کلمه مراکز و دفاتر سازمانی خود را تبدیل اعلام نکنیم" نظزاده وزیر امور خارجه دولت "مدامیرالیسمی" جمهوری اسلامی در مصاحبه با مجله باری مارج اظهار داشت که: "مخالف کار مجدد امریکائی ها در ایران نیست اما بشرط آنکه این کار همانگونه که به نفع امریکائی ها است بجمع ما نیز باشد." (با مداد بکشند ۸ تیرماه ۵۹) اکنون و در شرایط فعلی و پس از سخنرانی "امام امت" در مورد "امریکائی بودن مجاهدین و سایر نیروهای مردمی و انقلابی پاسخ مجاهدین به هواداران و اعضای خود چه خواهد بود. در هر حال رهبری نار از تکاپویی است که هواداران این سازمان از راست روی رهبری و مواضع بنیادینی آن میکنند. در هر حال رهبری مجاهدین از این پس مجبور خواهد بود که در قبال فشارهای هیئت حاکمه و صدامینه شخص خمینی واکنش نشان دهد. واقعیت این است که سازمان مجاهدین در طول این مدت در اثر سیاست های غلط و نیز فشار هیئت حاکمه ارتجاعی ایران رفته رفته ترجیح داد که به جای تکیه بر نیروی توده های زحمتکش ایران به حمایت از یک جناح علیه جناح دیگر بپردازد. سازمانی که روزگاری مبارزه مسلحانه را در سرلوحه برنامه های مبارزاتی خود قرار داده بود (و هم امروز هم مدعی ادامه این راه است) به تدریج درگیر بازی قدرت شد. در این میان شک نیست که نمایلات پارلمان تاریستی در رهبری هر چه بیشتر قوت گرفت. در هر صورت مجاهدین با نطق اخیر

خمینی و سکوت بنی صدر که تنها در روش سرکوب با جناح مقابل اختلاف دارد، پیداش این سیاست خود را دریافت کردند. اکنون پرده ها بکناری رفته و مجاهدین علناً "مورد تعرض و حمله" ارتجاع قرار گرفته‌اند. عقب نشینی اخیر این سازمان در قبال سخنان خمینی تنها نمایانگر این واقعیت است که رهبری هنوز تصور میکند که در صورت عقب نشینی در برابر ارتجاع و سرما به داری لبه نیز حمله آنان را کند خواهد کرد، غافل از اینکه هرگامی که مجاهدین با سایر نیروهای مترقی به عقب بردارند، ارتجاع چند کام به جلو بر خواهد داشت و حتی در صورت ادامه این سیاست بر تخریب و سرکشی آن افزوده خواهد شد. از این رو چنان که انتظار میرفت اینبار حملات ارتجاع آشکارا و بدون هیچگونه برده پوشی فزونی گرفت. آیت الله منتظری "فقیه عالمقدر" آمده، خامنه‌ای امام جمعه؛ تهران، سازمان ارتجاعی مجاهدین انقلاب اسلامی و سردار بزرگی از یرفیجی های ارتجاع و سرمایه داری بدترین دشمنان را نشان مجاهدین و هواداران نشان کردند. در این بین، مجاهدین انقلاب اسلامی حتی با راز این هم فرار ننهادند و چیزی هم طلبکار شدند و طی اعلامیه‌ای کادر رهبری مجاهدین را منهدم کردند که "با اعلام تعطیل دفاتر خود می‌خواهند واسه کند که شدیداً تحت فشار است و حقان بیداد میکند" (جمهوری اسلامی دوشنبه ۹ تیرماه) آبا جز این است که تا نیربختی حملات و فاجعه بار عمده، ارتجاع و اگر سرمایه داری به مجاهدین دقیقاً "حاصل سیاست بنیادینی، نادرست و راست روانه" رهبری است. روشن است که از این پس با اندازه زیادی راه سیاست شترسواری دولا دولا بسنه خواهد شد. از این پس هر حرکت مخالف ارسوی مجاهدین با عکس العمل تند شخص خمینی مواجه خواهد شد. رهبری مجاهدین دوراه در پیست دارد: "باید بکسره به سیاست گروهها تا وقتی اسلام را در جامعیت خویش نپذیرفته‌اند وحدت بنیادی ممکن نیست" (متن توافقنامه شورای انقلاب... با مداد ۸ تیرماه) و "وحدت بر اساس مکتب نه‌سازش" (بهشتی صدای جمهوری اسلامی بکشند ۸ تیرماه) تمکین کند با یکسار برای همیشه دشمن واقعی راه مردم بنمایند و این قدر مردم و هواداران خود را در مارچ کتک و ناروش "نهاد خلق و امیرالیسم" دچار سردرگمی و بلاتکلیفی نکنند.

به آنچه گفته شد باید افزود که وظیفه نیروهای کمونیست و مترقی در این شرایط و در سال سورتهای ارتجاعی به مجاهدین اینست که در عین دفاع فاطحانه از این سازمان و اعنای ماهیت تمکین نوطنه های ارتجاع و سرمایه داری علیه نیروهای انقلابی، از افشای سیاستهای سازن طلبانه در رهبری سازمان نیز کوتاهی نکنند.